

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر

ما ششم در شبلی  
هنرمثابه یک کل اجتماعی - زیبایی شناسانه  
(قسمت دوم)

## آغاز دومین سال انتشار "اتحاد مردم"

"اتحاد مردم" با اعتقاد عمیق به وحدت نیروهای انقلابی، مبین ما در مبارزه با امپریالیسم در راه ایجاد نظام سازنده بین این نیروها کوشیده و ضرورت فوری بین امر خطیر را با رها مورد بحث و بررسی قرار داده است.

اکنون که در آستانه دومین سال فعالیت خود قرار داریم، با ردیگر تجدید عهد می کنیم که با صداقت و صمیمیت پایدار در هموار ساختن راه اجرای این وظایف از هیچ کوششی فروگذار نکنیم. کوشش صمیمانه همه دوستان دست اندرکار را برای ادامه فعالیت این نشریه و استقبال و توجه خوانندگان عزیز ما به دلگرمی ما در انتشار منظم "اتحاد مردم" است.

با این که اشغال دفتر "اتحاد مردم" طی یک ماه و نیم اخیر مشکلات محدود کننده فراوانی در انتشار منظم هفته نامه ما بوجود آورده است، بحکم مسئولیتی که در خدمت به آرمان های انقلابی خلق خود احساس می کنیم با پشتگرمی به حسن توجه خوانندگان، امیدواریم با سرفرازی زعه نه انجام خدمات میهنی و انقلابی و انسانی خود برآیم.

لیسم جهانی در کشورهای در راه رشد و هم در تشریح تجربه و فعالیت عملی خلقهای رهبری یافته در مبارزه با امپریالیسم و استثمار سرمایه داری منظورهای ابدی از تقسیم کابینا لمللی اردوگاه سرمایه داری که مبتنی بر غارت و چپاول ثروت های ملی کشورهای تحت ستم و استثمار نیروی انسانی آنهاست، بسهم خود کوشیده است.

"اتحاد مردم" برای آشنا بی خوانندگان با فلسفه، دیدگاه ها و فرهنگ کشورهای جوان که منشا و ویژگی های مبارزه آنان با امپریالیسم جهانی است، مطالب لازم را به طور منظم در اختیار خوانندگان عزیز قرار داده است.

"اتحاد مردم" با انتشار هر چه متنوع تر رویدادها، مبارزات و تلاش های وقته ناپذیر خلقهای جهان در راه صلح، آزادی و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی کوشیده است، علیرغم تبلیغات امپریالیستی در مغشوش جلوه دادن صف نیرومند جنبه جهانی ضد امپریالیسم زمینه های وحدت عملی نیروهای انقلابی جهان را بشناسانند و اذهان را از واقعیت گریزی و سمت گیری های پندار فانه در مسایل داخلی و بین المللی که برای تداوم انقلاب ما ساخت زیبا نمند است، برخوردارد.

۲۳ مهر که مصداق با سالروز نخستین شماره "اتحاد مردم" است، دومین دوره فعالیت این نشریه آغاز می گردد.

"اتحاد مردم" در طی یک سال موجودیت خود کوشیده است هم آوا همگام با انقلاب ضد امپریالیستی خلقی ایران و وظیفه خود را به عنوان یک نشریه متعهد و مسئول ایفاء کند و در حدود توانایی خود با ریگرنگرش صحیح و انقلابی به مسایل ایران و جهان باشد. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران با همه ویژگی های ملی خود ما هیتا با انقلاب ضد امپریالیستی جهان پیوند نزدیکی دارد و فرزند راستین خانواده بزرگ نهضت ضد امپریالیستی جهان است این نشریه سعی کرده است مسایل و مشکلات، کامیابی ها و ناکامیهای جنبش های ضد امپریالیستی جهان و کشورهای رهبری یافته از قید امپریالیسم رادار ابعاد مختلف از نظر هموطنان و جستجوگران مشتاق بگذراند.

مبارزه با امپریالیسم به شناخت علمی دقیق و همه جانبه نیاز دارد و لذا نمی تواند از بررسی تجربه و فعالیت عملی گردان های رزمنده با امپریالیسم بی نیاز باشد. "اتحاد مردم" هم در شناخت مکارنیم عملگر دکنونی امپریالیسم

## مردم قهرمان ایران علی رغم بمباران های وحشیانه شهرها و روستاها، متجاوزین بعثی عراق را سر جایشان خواهند نشاند

بیمارستان های ما را می کوبند. جوجه فاشیستهای بغداد که در لیب هوس های توسعه طلبانه به خود می پیچند با هجوم دیوانه و اریه سرزمین کهنسال ما که هر وجب از خاک آن نشان از پایداری و سلحشوری در برابر متجاوزین دارد، به فکر آرمودن خلق قهرمان ما افتاده اند.

آنان از یاد دبرده اند که در نیمه دوم قرن بیستم آرمودن این مردم با آن همه سنتهای انقلابی و تاریخی سراسر مبارزه با فرما نروایان قلدر و قداره بنده که به مراتب خونخوارتر از دارو دسته صدام جلاد بودند، کار است عبث و بد فرجام! خوب بود صدام خائن و نظامیان قدر رهنبدت او بی آنکه زحمت مطالعه تاریخ سلحشوری های مردم این مرز و بوم را به خود دیده اند به پیروزی مردم ایران بر نظام صفاک و وابسته به امپریالیسم شاه خائن می اندیشیدند و از آن عبرت می گرفتند. آنان ایمان و عزم را سخاقت از انقلاب برآمده، ما را با اعتقاد دست و شکننده، طبقاتی خود که بوی تعفن استنشام رو خود پرسی از آن به مشام می آید، قیاس کرده اند، چه قیاس باطلی!

صفحه ۶

دارو دسته صدام خائن که نتوانستند طبق نقشه شوم پنتاگون - عراق در روزهای نخست تاج و زبانه جویانه و قاتون شکنانه به هدف های انضمام طلبانه خود بر ضد جمهوری اسلامی ایران نایل آید، اینک کف بر لب آورده چون دیوانگان زنجیری سربزه درو دیوار می کوبند و چون دژ خیمان خون آشام تا ریخ هر چه را سر راه خود می بیند بران می سازند و به خاک و خون می کشند.

بمباران وحشیانه شهرهای مرزی ایران و در هم کوبیدن خانه های محقر روستا بیسان و زحمت کشان و مدفون ساختن صدها تن از عزیزان خرد و کلان ما در زیر خوارها خاک به خاطر این است که از مردمی نستوه و تسلیم ناپذیر انتقام بگیرند.

جلادان بعثی عراق که نیک دریا فته اند تا زمانی که مردم چون تن واحد از سرزمین آبه و اجدادی و از جمهوری نوین با سلامی شان دفاع می کنند، قادر به پیاده کردن نقشه های شوم عموم - سامدر منطقه نیستند، گشتار مردم بی دفاع را به راه انداخته اند و بر خلاف قوانین و مقررات شناخته شده بین المللی ما نند همه جنا پتکاران جنگی خانه و گاشانه مردم، مزارع، مدارس و

## پارلمان جهانی ملت ها برای صلح

شده، بیش از ده هزار رنما بنده از یکصد و سی کشور جهان، یکصد سال زمان بین المللی و سیدوسی حزب سیاسی شرکت داشتند. شخصیت های نامبردار، از جمله دانشمندان و نویسندگان و هنرمندان، اندیشمندان و پیشوایان مذاهب مختلف و مبارزان سیاسی و اجتماعی، درنگرانی بزرگ خود نسبت به سرنوشت بشر، پنج روز متوالی در این گردهمایی عظیم کنا ریگدیگر نشستند و برای مقابله با خطر جت هسته ای و متوقف ساختن مسابقه دیوانه و ارتسلیحاتی که آمریکا با انباشت سلاحها و توسعه و تکثیر پایگاه های نظامی بر جهان تحمیل می کند به بحث و مبادله اطلاعات و جستن راه های چاره پردازا ختند. حاصل کار این پنج روز توافق و موضع گیری مشترک بر سر عمده ترین مسائل و مشکلات زندگی امروز بشر بوده است که به صورت ده ها قطعنامه و گزارش و پیام و فراخوان تدوین شده است. اکنون، در این شماره "اتحاد مردم"، ترجمه فراخوان پارلمان جهانی ملت ها برای صلح و همچنین ترجمه منشور ملت ها برای صلح از نظر خوانندگان می گذرد: صفحه ۲

ساعت ده صبح سه شنبه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ (اول مهر ۱۳۵۹) پارلمان جهانی ملت ها برای صلح در تالار ونیورسیاد صوفیه بوسیه، تودور زیوکوف، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدراعزاد دولتی جمهوری خلق بلغارستان کتایش یافت. جلسات عمومی پارلمان به ریاست رومش چاندر، رئیس شورای جهانی صلح، اداره می شد و کسائی مانند سرعفات و بوریس بانوما ریوف، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در آن سخنرانی های مهمی ایراد کردند. دکتر کورت والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، و روسای بسیاری از کشورها، مانند لئونید برژنف از اتحاد شوروی، فاموان دونگ از ویتنام، ارخو ککونن از فنلاند، اریک هونگرا از آلمان دموکراتیک، گوستاو هوساک از چکسلواکی، منگیستوها یله مریم از اتیوپی، احمد سکوتوره از گینه، بربک کارمل از افغانستان و غیره پیام های برای آن فرستادند.

در این پارلمان ابتکاری ملت ها که برای نخستین بار در تاریخ تشکیل می

## جمهوری دموکراتیک آلمان دوست وفادار خلقهای آفریقا و آسیا

تجربه واقعی تاریخی و ابتکارات مشخص جمهوری دموکراتیک آلمان تا بید می کند که نخستین دولت سوسیالیستی آلمان نه تنها "در روزهای خوش" بلکه در بحران ترین لحظات متحد مطمئن کشور های در راه رشد است.

جمهوری دموکراتیک آلمان از دهه ۵۰ در حدود توان و قدرت خود به خلق الجزایر در مبارزه ضد استعمار کمر مادی نموده است. این جمهوری به اتفاق سایر کشورهای سوسیالیستی در ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ تجا و زات امپریالیستی و صهیونیستی را علیه کشورهای عرب شدیداً محکوم نمود. ارایش هونگر دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد سوسیالیست آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان هنگام اقامت خود در ۱۹۷۱ در جمهوری دموکراتیک خلق یمن یکبار دیگر نظر کشورش را درباره تحول اوضاع در خاور صفحه ۶

جمهوری دموکراتیک آلمان طی سی سال موجودیت افتخار آمیز خود اتحاد عمیق خود را با جامعه سوسیالیستی و نیرو های رهبری بخش ملی و اجتماعی دنیا در راه رشد بطور سازنده استحکام بخشیده است.

برنامه حزب متحد سوسیالیست آلمان تاکید می کند که خلقهای رهبری یافته و خلقهایی که سرگرم مبارزه برای آزادی خود هستند قدرت عظیم ضد امپریالیستی و انقلابی عصر ما را تشکیل می دهند. از این رو، این حزب با شور و حرارت فراوان در راه اتحاد جمهوری دموکراتیک آلمان و خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در مبارزه با امپریالیسم و استعمار رنوتلاش می ورزد. جمهوری دموکراتیک آلمان روابط خود را بر اساس دوستی و سود متقابل با این خلقها گسترش داده و در راه همیاری نزدیک و همبستگی با آنها از هیچ کوششی فرو گذار نمی کند.

سیاست نفتی انحصارات آمریکا انگیزه اساسی فتنه انگیزیهای نظامی امپریالیسم آمریکا در خاور نزدیک است  
صفحه ۵

# فراخوان پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح

ملت‌های جهان در اضطراب اند. خطر یک بلیه هسته‌ای جهانی هرگز با چنین شدتی محسوس نبوده است. افزایش انباشت سلاح‌های اتمی، تراکم زرادخانه‌های مرگ به یک سطح بحرانی رسیده است. یک حرکت تصاعدی تازه در راه تشدید تولید سلاح‌ها می‌تواند وضعی بس خطرناک به وجود آورد. که بشریت را به نابودی تهدید کند.

"استراتژی جدید هسته‌ای" تدبیری است که به عمد برای فریب ملت‌ها در نظر گرفته شده است تا متقاعدشان سازند که می‌توان دست به یک جنگ هسته‌ای محدود یا منطقه‌ای زد بی‌آن که کار به ایجاد یک قربانگاه هسته‌ای عمومی منجر شود. ما این

پنداشت در عین حال خطرناک و غیرانسانی را قاطعانه رد می‌کنیم.

همه جا، ملت‌هایی که بیش از سی سال از درگیری یک جنگ جهانی جلوگیری کرده از هیچ تلاشی برای تشنج‌زدایی و خلع سلاح دریغ نورزیده‌اند. این گونه نقشه‌ها را قاطعانه رد می‌کنند. آنچه آنان طلب می‌کنند چنین است:

تشدید انباشت سلاح‌ها را متوقف کنید! چکاچاک شمشیرها را خاموش کنید! از تعرض و تهدید به تعرض دست بردارید! خطر جنگ هسته‌ای باید برطرف شود!

ما همه مردان سیاسی و همه دولت‌مردان را به پیروی از خرد و احساس

مسئولیت فرا می‌خوانیم و از دولت‌ها مصرا نه می‌خواهیم:

از برنام‌های تازه، تسلیحات دست‌بکشید! از تولید سلاح‌های تازه‌کنتراری جمعی، مانند موشکها، بمب‌های نوترونی، شیمیایی و غیر آن چشم‌پوشید! از حجم سلاح‌های انباشته شده بکاهید. سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع سازید! به گفت‌وگو بنشینید!

ما این فراخوان را خطاب به همه دبلیستگان صلح‌صا رد می‌کنیم:

نگرانی‌کافی نیست. به اضطراب افتادن نیز کافی نیست.

ملت‌ها آنقدر نیرومند هستند که صلح

این حق بنیادی خود را حفظ کنند. اکنون وقت عمل است.

بانگ خود را رسا تر از هر زمانی به گوش جهان بنیان برسانیم!

کسانی را که قصد دارند جهان را به سوی برتگاه هسته‌ای برانند متوقف سازیم! آنچه را که از هم جدا مان می‌کنند کنار بگذاریم و برای واپس زدن تهدید جنگ هسته‌ای با هم متحد شویم!

این فراخوان در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ از سوی ۲۲۶۰ شرکت‌کننده پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح، نمایندگان یکصدوسی وهفت کشور و بیش از یکصد سال زمان بین‌المللی صادر شده است.

## منشور پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح در صوفیه، پایتخت جمهوری خلق بلغارستان، هنگامی تشکیل می‌شود که خطر جنگ به میزان بزرگی افزایش یافته است.

۲۲۶۰ شرکت‌کننده، به نمایندگی از سازمان‌های مختلف توده‌ها، جنبش‌ها و احزاب سیاسی، مردان دانش و کارکنان فرهنگ، شخصیت‌های مذهبی و اجتماعی و سیاسی، که بیان‌کننده خواست و آرزوی ملحم میهنیان خود در یکصدوسی وهفت کشور جهان هستند،

در حالی که از رویه‌ی گذاشتن اوضاع بین‌المللی، و از تشنجات فزاینده در جهت توسل به زور یا تهدید بی‌آن، و همچنین از تحریم‌ها و محاصره اقتصادی و جنگ روانی که موجب مسموم شدن روابط بین‌المللی می‌گردد به شدت نگرانند،

در حالی که از افزایش بی‌بندوبار سلاح‌ها در جهان عمیقاً نگران و اذیت‌ناست غیرمسئولانه، تشویق انباشت سلاح‌ها برآشفتگانند،

در حالی که از جدت یافتن مسائل حیاتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر اثر افزایش هزینه‌های نظامی در تشویش‌اند، پس از بحث‌های مابین‌دقیقه و بی‌پرده به استنتاجات کلیدی زیر دربارهمه هدفهای عمده و وظایفی که اکنون در برابر نیروهای صلح قرار در رسیده‌اند:

جهت کسب برتری نظامی صورت می‌گیرند تنها نابخردان بلکه بی‌اندازه برخطر است. چنین تلاش‌هایی سابقه تسلیحاتی را به سطح کیفی تازه‌ای ارتقا می‌دهد که می‌تواند از هرگونه کنترل خارج گردد.

سلاح‌های هسته‌ای همه، وسایل دیگر نابودی جمعی یا بدممنوع اعلام شود.

مبارزه بر ضد هسته‌ای شدن دولت‌های نژادپرست و دیکتاتوری و مرتجع‌گه استقلال همسایگان خود و صلح‌جهانی را تهدید می‌کنند از اهمیت اساسی برخوردار است.

پایان دادن به انباشت سلاح‌ها یک وظیفه مبرم به‌شمار می‌رود. بیگانه‌وسیله‌ها مهار کردن سابقه تسلیحاتی آغاز مذاکره برپایه احترام بی‌چون و چرا به اصول برابری و امنیت متقابل است. برای نیل به این مقصود هیچ راه دیگری وجود ندارد!

ما برای آن که حق صلح‌تأمین شود، طلب می‌کنیم که:

قرارداد سالت ۲ بی‌درنگ تصویب و به اجرا گذاشته شود و مذاکرات دربارهمه محدود کردن سلاح‌ها استراتژیک ادامه یابد.

گفت‌وگو دربارهمه سلاح‌های هسته‌ای میان برد و بی‌بگانه‌های مقدم آن بی‌درنگ آغاز شود.

اتحادیه نظامی به صورت همزمان منحل و همه بی‌بگانه‌های نظامی بیگانه برچیده شود.

اعتماد میان دولت‌ها که در سال‌های هفتاد به پیشرفت مهمی در راستای تشنج‌زدایی منجر شده بود از نو برقرار گردد.

دولت‌های امضاءکننده سند نهایی هلسینکی که در ملاقات ما در بیست شرکت خواهند جست مسئولیت بزرگی بر عهده دارند: آنان باید طبق روح سند نامبرده کار کنند و در نیل به هدفهای آن سهم مثبتی دانمایند. اخذ تصمیم مشخص برای دعوت کنفرانسی دربارهمه تشنج‌زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا کاری است که از اهمیت درجه یک برخوردار خواهد بود.

ساختن ملت‌ها از این حق یا محدود کردن آن سیاستی است امپریالیستی و در جهت خلاف مسیر طبیعی پیشرفت. چنین سیاستی اساساً ارتجاعی است.

همه ملت‌های جهان باید در زمینه رشد اقتصادی و اجتماعی از امکانات مساوی برخوردار باشند. حذف همه اشکال تبعیض، همه مظاهر استعمار، همه سوبندهای ساختگی در راه بازرگانی جهانی، همه اشکال نابرابری و تحکم و بهره‌کشی در مناسبات اقتصادی و همچنین استقرار روابط صحیح و عادلانه در بازرگانی بین‌المللی از حقوق اساسی نوع بشر بشمار می‌رود. سیاست ایجاد عدم ثبات که نسبت به رژیم‌های مترقی کشورهای در راه رشد اعمال می‌شود یک تجاوزگری حقیقی است که در آن وسایل روانشناسانه و اقتصادی و سیاسی و غیر آن، از جمله دخالت نظامی، به کار گرفته می‌شود. چنین سیاستی تجاوز به حق صلح می‌باشد.

کانون‌های تشنج، تهدیدی برای امنیت و آزادی و استقلال ملت‌های مناطق مختلف جهان است، و در عین حال، تصاعد تازه‌ای در انباشت سلاح‌ها باعث می‌شود. محیط بین‌المللی را مسموم می‌سازد و تشنج‌زدایی را از بین می‌برد.

دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر با حق ملت‌ها به رشد مسالمت‌آمیز و آزاد و مستقل مغایرت دارد.

عدم پیشرفت در تحقق یک نظام تازه اقتصادی بین‌المللی به علت آن است که، چنان که اجلاسیه فوق‌العاده سازمان ملل متحد اخیراً نشان داده است قدرتهای امپریالیستی و شرکت‌های چندملیتی حاضر نیستند از امتیازات خود دست بکشند. تشدید و خامت اوضاع بین‌المللی که از مشخصات موقعیت کنونی است بازگشت آشکاری به سیاست قدیمی امپریالیستی برای تسلط بر جهان می‌باشد. به همین منظور چندین منطقه جهان "منطقه منافع حیاتی" اعلام شده و نیروهای واکنش سریع تشکیل شده است، و این خود مستقیماً صلح را و استقلال ملی و آزادی ملت‌ها را تهدید می‌کند.

نیروهای ارتجاعی و تجاوزگر، یعنی همان نیروهای بیگانه‌سودهای کلان از تولید سلاح‌ها می‌برند، استفاده می‌کنند.

افزایش مداوم هزینه‌های نظامی از کیسه زحمتکشان است که تا مین می‌شود. این امر آتش تورم را تیزتر می‌کند، بر سنگینی بار مالیات‌ها می‌افزاید، بیکاری را وخیم‌تر می‌گرداند. تجربه ثابت می‌کند که نظامی شدن اقتصاد تنها قادر نیست کار را برطرف کند، بلکه برعکس از شماره مشاغل می‌کاهد و موجب قطع بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه بهداشت و آموزش و فرهنگ و دیگر خدمات اجتماعی می‌گردد.

پایان دادن به کسب و کار رنجناک - یا تولیدکنندگان و بازرگانان اسلحه ضرورت تام دارد. انتقال صنایع نظامی به صنایع زمان صلح امکان پذیر و سودبخش و مطلقاً ضروری است.

وجود رژیم‌های نژادپرست و دیکتاتوری - های فاشیستی که دموکراسی را و حقوق و آزادی‌های ابتدایی ملت‌های خود را لگد - مال می‌کنند برای وجدان بشریت تحمل پذیر نیست. سیاست نظامی‌گری و تشنجات بین‌المللی عواملی هستند که شرایط مساعدی را برای مبارزه با کودتا‌های ضد دموکراتیک و باقی‌نظامیان فاشیست و دیکتاتوری‌های ضد ملی در مسند قدرت فراهم می‌آورند.

بالا گرفتن هیستری جنگی و نفرت و کین نسبت به کشورهای دیگر، و همچنین هرگونه کارزار تبلیغاتی به منظور افشاندن تخم بدگمانی و بدخواهی‌ها یا منافع ملت‌ها مغایرت دارد. سازمان‌های گروهی باید در خدمت امر صلح باشند آن‌که از راه فریب افکار عمومی و با توسل به دروغ و اطلاعات نادرست به منافع گروه‌بندی‌های نظامی صنعتی خدمت کنند.

کسانی که مسئول تربیت نسل جدید هستند باید به آرمان‌های صلح و دوستی و همبستگی و احترام به همه ملت‌ها خدمت کنند.

### ۱- زندگی در صلح، حق سلب ناشدنی

#### انسان‌هاست

زندگی در صلح حق مقدس و سلب‌ناشدنی هر فرد و هر ملت است. صلح نعمت مشترک و بس گرانبهای سراسر بشریت می‌باشد و پیشرفت بشریت در مشروط است. حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جز در صورت تضمین حق آدمی به صلح تحقق پذیر نیست.

هر دست‌برد به این حق مقدس، از جمله طرح‌ریزی و تدارک یا مبارزه به جنگ بدترین جنایت بر ضد بشریت است. تدوین - کنندگان استراتژی "جدید" هسته‌ای بر پایه "تئوری غیرانسانی" امکان جنگ هسته‌ای محدود و مرتکب یک چنین جنایتی می‌شوند. جنگ هسته‌ای "محدود"، "محلی" یا "معتد" تصویر پیرنیست و ناگزیر به یک قربانگاه عمومی هسته‌ای منجر می‌شود.

نیروهای جنگ طلب بشریت را با تصاعد فزاینده سابقه تسلیحاتی به گونه‌ای که از هر زمان خطرناک‌تر و پرهزینه‌تر است روبرو می‌سازد. تلاش‌هایی که در

### ۲- حق صلح، برای همه ملت‌ها، به معنای

#### حق استقلال ملی و رشد آزاد و مسالمت‌آمیز است

ملت‌ها صلحی عادلانه و دیرپا طلب می‌کنند که بتوانند حق کامل شان را برای انتخاب راه دلخواه رشد خویش و استقرار یک نظام سیاسی و اجتماعی مطابق با آرزوهایشان تأمین کنند. تلاش برای محروم

### ۳- تشنج‌زدایی، دموکراسی، آزادی

#### و پیشرفت اجتماعی

جنگ سرد، رویا روی خصمانه و هیستری جنگی سده‌های پیشرفت اجتماعی است و اعمال کامل حقوق و آزادی‌های اساسی انسان را مانع می‌شود. از این همه،

### ۴- صلح، امر مشترک عادلانه‌ماست

جنگ حتمی و ناگزیر نیست. صلح‌رامی - توان حفظ کرد و استحکام بخشید!

ولی این هدف را هیچ کشور، هیچ ملت، هیچ حزب یا سازمانی به تنهایی نمی‌تواند به تحقق رساند. تنها از راه یک مبارزه مشترک است که ما خواهیم توانست به توطئه‌های جنایتکارانه‌ای که صلح جهانی را تهدید می‌کنند پایان دهیم. راه دیگری نیست.

سال	هزینه سرانه به دلار	هزینه کل به میلیون دلار
۱۹۷۰	۱۶/۴	۱۵۴
۱۹۷۱	۲۲/۲	۲۱۲
۱۹۷۲	۲۶	۲۵۲
۱۹۷۳	۲۴/۶	۲۴۴
۱۹۷۴	۱۹/۷	۱۹۸
۱۹۷۵	۱۳/۱	۱۲۴
۱۹۷۶	۱۲/۸	۱۲۳
۱۹۷۷	۱۳/۷	۱۴۵

منبع: وزارت دارائی قسمت بودجه

بنا بر این "مسئله" بهداشت عمومی "مسئله ای ساختاری است. خصوصیات و مشخصه های جمعیت یا جامعه ای که در آن زندگی میکنیم، محیط اطراف و مجموعه طبیبی قابل دسترس برای خانواده عوام ملی هستند که سطح بهداشت عمومی را تعیین میکنند. مشکلات اقتصادی گروه های محروم، وضع سکونت آنها، کمبود امکانات شهری، تنزل سطح خدمات طبیبی به علت کمبود مراکز درمانی معتبر از عواملی هستند مرتباً وضع بهداشت توده ها را روه و خامت میبرند.

خانواده ها در معرض امراضی قرار میگیرند که حاصل شرایط وخیم بهداشتی، تغذیه، غیرکافی، محل مسکونی نامناسب، فقدان معالجات طبیبی و امکانات بسیار کم تهیه دارو به علت گران بودن آن میباشد.

در میان کودکان نارسا احتیاج های تغذیه، هاضمه و عفونی رواج دارد. بیشترین موارد مراجعات سرپایی، بستری شدن در بیمارستان و مرگ بین توده ها امراضی از نوع فوق میباشد.

درصد بزرگی از کودکان به علت وضع اقتصادی و فشارهای خانوادگی خود دارای مشکلات روانی میباشد. اختلال روانی، فقدان عاطفه، میل به تجاوز و استفاده از مواد مخدر شیوع فراوانی دارند.

# محمد بهروز فاشیسم در شیلی

مادراتی پیدا میشوند که با وجود وضعیت اقتصادی سختی که دارند میکوشند وسیله، حفاظت و رشد کودکان خود را فراهم کنند. با وجود این شکست کوششها سرخوردگی دردناکی را برای مادرها در میان میآورد. سوء تغذیه، حادثه کودک یکی از این نوع شکست هاست.

به چند نمونه از ارقام زیر اینگونه از مادران توجه کنید که بسیار رگوبیا میباشد: "من مجبور بودم کودکم را برای رفتن سرکارها کنم، مراقبت از او را به کودکان دیگر سپرده بودم چون شوهرم تا بعد از ظهر به منزل نمیآید. من گاهی آهیزی میکردم، او اسهال گرفت و شروع کرده لغزش و من هیچکاری نمیتوانستم بکنم... مرید گری نمیتوانستم از او مراقبت کنم... (او میگردد، یک مادر بیست و نه ساله است که حدودش کلاس سواد دارد)

"گاهی من هیچ چیز نداشتم تا به آنها بدهم بخورند ولی چون بچه ها این وزن و گرمی نداشتند، همچنین نزد برادرم میروند و به آنها چیزی میدهند. در غیر این صورت نزد مادر شوهرم میروند و نیز گاهی چیزی دارند که برای خوردن به آنها بدهد..."

(مادر بیست و دو ساله دارای شوهر و سه فرزند است که حدودش کلاس سواد دارد و در دیریک سویرا ر میزند)

"گاهی هیچکار نمیتوانم بکنم. اعضا بیمری است. می رزم و گاهی دخترم تمام روز مرا عصابی میکند. وقتی پول ندارم عصبی میشوم. بله، الان شوهرم کار دارد ولی وقتی بیکار بود وضع بسیار ریزی داشتم. هیچ چیز برای خوردن نداشتم بعداً و کار پیدا کرد این "سرنا مه اشتغال حداقل...". (مادر بیسواد با بیست و هفت سال سن و نو فرزند)

همچنین میتوان حالات سرخوردگی را که به صورت فقدان تحرک و عدم میل به کار و خوابیدن زیاد تجلی میکنند مشاهده نمود. بیشتر خانواده ها بسیار از خواب بر میخیزند. کم میخورند و تنها فعالیت آنها دیدن برنامه های تجمیع کننده تلویزیون است.

این رفتارها موجد نوعی انحطاط است که نباید آنها را فقط به عوامل روانشناسی فردی توضیح داد بلکه باید آنها را نتیجه شرایط خاص محیط خانوادگی، نقصان مواد غذایی محرومیت ها و بیامد های آن روی خانواده دانست.

عده بشماری از کودکان در چنین شرایط مادی و انسانی بدون وجود سیستم پرورش و با تغذیه بدو فقدان محبت رشد

گزارش آقای اوتا جیولوا کنه رئیس فدراسیون اروپائی جوانان لیبیرال و رادیکال ایتالیا

آقای رئیس - خانمها و آقایان اعضای دبیرخانه کمیسیون بین المللی تحقیق روی جنایات حکومت نظامی در شیلی - دوستان عزیز و رفقای شیلیایی!

من به نام سازمانهای گوناگون بین المللی جوانان که در طول تمام این سالها همبستگی فعال خود را با ملت و جوانان شیلی به اثبات رسانده اند صحبت میکنم.

در جریان سمپوزیوم بین المللی رایج به کودکان شیلی که اخیراً در جمهوری فدرال آلمان برگزار گردید، اسنادی پذیرفته شد و نتیجه گیریها فی به عمل آمد که مرد را پنججا مهمترین آنها را عرض خواهم کرد. ولی قبل از آن که یه معرفی این اسناد بپردازم میخواهم از آخرین وقایعی که نشان دهنده توسل به اختناق توسط دیکتاتور نظامی شیلی بخصوص بر علیه جوانان این کشور میباشد یاد کنم.

دوروز پیش قرار بود سمینار بین المللی مهمی که توسط کمیته دفاع از حقوق جوانان در شیلی تدارک دیده شده بود، برگزار شود ولی برگزاری آن توسط حکومت نظامی ممنوع اعلام گردید و به اغلب شرکت کنندگان نیز اجازه ورود به شیلی داده نشد. در ماههای اخیر سرکوبهای متعددی در شیلی انجام گرفته است و دیکتاتور نظامی بیش از هزار نفر را در هفته های اخیر بازداشت کرده است و همواره تولا اعلام کردم بزرگاری روز بین المللی بسیار مهمی که در سطح بین المللی توسط کمیته دفاع از حقوق جوانان تدارک دیده شده بود ممنوع اعلام گردید و از ورود رئیس فدراسیون جهانی جوانان دموکرات آقای ارستوفرناندز که تابعیت شیلیایی دارد و همچنین نماینده کمیته ایتالیائی روابط بین المللی جوانان آقای روبرتو سروزنی و سیزد آقای جیم بسون نماینده لیبیرال پارلمان کلمبیا جلوگیری به عمل آمد. حداقل یکصد عضو جوان حزب دموکرات مسیحی که مشغول بحث متن یکی از سخنرانیهای علنی آقای فری رئیس جمهور سابق بودند دستگیر شدند. امروز شما در جریان کشف احساسات که اخیراً در شیلی انجام گرفته است قرار گرفتید و من به آن با زرمی کردم. به خاطر تمام اینهاست که ما از این کمیسیون و هم شخصتهای حاضر در آن میخواهم که برای بیان دادن به اختناق در شیلی تدابیر عاجل اتخاذ نمایند. ما میخواهیم که بر منتهای قطعنامه اخیر تو میون کمیسیون سازمان ملل متحد بر علیه حکومت نظامی در شیلی بیانیه ای صادر شود. من پس از اسنادی که در سمپوزیوم کلنی مورد قبول قرار گرفت سخن خواهم گفت و از قبل از طرز تلفظ خود بپوش میخواهم. من سعی خواهم کرد که این سند را که به زبان اسپانیولی نوشته شده است به همین زبان بخوانم با وجود این که تسلط من به این زبان کافی نیست. امیدوارم از اشتباهاتی که هنگام خواندن مرتکب خواهم شدم سررا بخشید.

## بهداشت و تغذیه کودک شیلیایی

ادله فراوانی وجود دارد که نشان میدهد ارتباط نزدیکی بین سطح زندگی اجتماعی - اقتصادی و بهداشت مردم وجود دارد. به عبارت دیگر بررسیهای انجام گرفته نشان میدهد که پایین آمدن سطح زندگی وضع بهداشت مردم را روه و خامت برده است. در شیلی سازمان خدمات بهداشت ملی (که در سال ۱۹۵۲ پایه گذاری شد) نقش مهمی در دادن کمکهای درمانی و بهداشتی به طبقات محروم ایفا کرده است. این خدمات ۸۰% جمعیت را شامل شده است و ۹۵% خدمات بیمارستانی ۷۰% معاینات پزشکی و ۱۰۰% مراقبتهای مربوط به بهداشت عمومی را زیر پوش خود قرار داده است. این ارقام بیانگر نقش اساسی این سازمان در بهبود وضع بهداشت کودکان است که نه تنها باعث کاهش نرخ مرگ و میر و همچنین باعث از بین رفتن برخی بیماریها و از دیاد طول عمر است.

مقوله طب ملی یا بهای سیاسی دار بدین معنا که دولت با مشخص کردن خطوط اساسی سیاست خود در مورد بهداشت عمومی همچون یک عامل بیشتر اجتماع و اقتصادی نقشی را به عهده میگیرد این مقوله همچنین دارای پایه های اخلاقی مانند تامین حق زیست، بهداشت، همبستگی بشری و عدالت اجتماعی میباشد.

ارقام نشان میدهند که از سال ۱۹۷۴ دولت این نقش اجتماعی اساسی خود را رها کرده است. هدف سیاست فعلی خصوصی کردن بهداشت عمومی و ایجاد مراکز پزشکی خصوصی است.

ارقام مربوط به هزینه های بهداشت بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷ آنچه را که گفته شده اثبات میرساند.

میکند. آینده هزاران خردسال این چنین ویران شده است. ساخته میشود. ورطه، نابرابری های مادی و بیولوژیست (زیستی) عمیقتر میشود.

بیامدهای سوء تغذیه نزد کودکان بسیار سنگین است. کمبود مواد غذایی رشد عمومی را گانیمس را به تاخیر می اندازد. در سالهای اول زندگی ارکا نیمس به سرعت رشد میکند. این دوره از رشد را که طی آن یک رشته روندهای بلوغ انجام مییابد (مانند تکثیر سلولی و غیره) دوران بحرانی نامیده اند. از اینجا میتوان به اهمیت مسائل مربوط به سلسله اعصاب که در این دوران انجام میشوند و روند بلوغ را به تاخیر می اندازد و زندگی سرد. جبران این تاخیر بعدها بسیار مشکل است (دکتر سانتیاگوموزو). سوء تغذیه دوران اولیه مستسب انحطاطی است که با کاهش کارائی و رشد روحی دیررس خود را نشان خواهد داد.

بین جماعاتی که خوب تغذیه شده اند فقط سه درصد عقب ماندگی فکری دیده شده است. در صورتی که بین جماعات محروم سانتیاگو ۴۰% کودکان در سن قبل از مدرسه از لحاظ فکری عقب مانده اند. در حقیقت علت مسئله تغذیه نیست بلکه فقدان هیجانات احساسی محیط زندگی نیز موثر میباشد (دکتر سانتیاگوموزو).

وضعیت مالی خانواده، وضع بهداشت و تغذیه کودک شیلیایی. در وضع آموزش و پرورش و نیز منعکس میشود.

## کودک شیلیایی و آموزش و پرورش

سیستم آموزشی در شیلی، بخصوص در سطح مادگی ابتدایی که فکر ما را نیز امروزه به خود مشغول کرده است با توجه به این که قابل دسترس برای اکثریت بزرگی از کودکان شیلی بود، کارائی نسبتاً خوبی داشت.

دوره ابتدائی اجباری و مجانی است. اصلاحات ۱۹۶۵ دوره اجباری تحصیلات را به هشت سال رساند. همچنین بر تعداد موسسات آموزشی افزود. این اصلاحات در دوران ریاست جمهوری ادولر دفری انجام شد. در همین دوران بود که قانون مربوط به کودکانها انتشار یافت که بعدها در دوران حکومت وحدت خلقی با ایجاد دفتر ملی کودکانها تعمیق یافت و امکانات استفاده از موسسات دوره آموزش مادگی را به طور قابل ملاحظه ای گسترش داد.

آخرین دستورالعملهای مربوط به سیستم آموزشی که در سال ۱۹۷۹ توسط دولت داده شده است به روشنی نشان می دهد که نقش تاریخی سیستم آموزشی با وجود مسئولیتی که به عهده میگیرد بطور سیستماتیک تغییر داده شده است. وانموش میشود که تحصیلات ابتدائی اجباری باقی مانده است. لکن کیفیت آن با کاهش برنامهای که میبایست اجباراً در این دوره آموزش داده شود پایین آورده شده است و مدت آن نیز به شش سال تقلیل داده شده است. برای گذر از یک دوره تحصیلی به دوره بالاتر شرایط کیفی حداقل پیش بینی گردیده است و این باعث میشود که کودکانی که امکانات مالی اولیاشان به آنها اجازه برخوردار از آموزش ابتدائی کاملتری را داده است سهل تر به دوره های بالاتر راه یابند. از این جهت اکثریت کودکان شیلی که در مورد آنها هدف غایی کمترین آموزش ابتدائی بوده است مورد بی عدالتی قرار میگیرند. روشن است که چون کیفیت اشتغال آتی به درجه تحصیلی افراد بستگی دارد، مدارج مختلف تحصیلات به نحوی پیش بینی شده است که کودکان شیلی در بخش اعظم خود نیروی کار ریدی آینده را تشکیل دهند. نتیجتاً برابری اجتماعی نه تنها باقی نمیماند بلکه توسط این سیستم آموزشی تهدید میگردد.

سیاست آموزشی بیش از سیاست اقتصادی مدلی فراهم میآورد که نه تنها برابری اجتماعی را تعلیم و تربیت ایجاد نمیشود.

## کودک شیلیایی و سیاست سرکوب

در خاتمه هر چند که این برای مادران آراست، ما نمیتوانیم از کناره مسئله کودکانی گذر کنیم که پدر و مادرشان جزو زندانیان مفقود شده هستند یا همچنین خانواده ها قبی که سرپرستان اعدام شده، نیا زندانیان سابق یا آنها که هنوز در زندان به سر میبرند و با تعدد شده اند.

از ۱۱۹۷۳ سال خانوادها دفعتاً به طور موقت یا برای همیشه متلاشی شده اند.

ما میدانیم که سالهای اول کودکی برای رشد جسمی و فکری کودک تعیین کننده است همچنانکه تغذیه ناقص اختلالات مزمن و گاه برگشتنا پذیرد را گانیمس در حال رشد ایجاد میکند و وقتی احتیاجات ضروری کودک نیز مانند نیاز به محبت، عاطفه، حمایت و کمک برآورده نمیشود اختلالاتی در رشد او پیدا میشود که پیا پیا مدتها بدون تردید نوعی اعوجاج روحی مزمن خواهد بود که به شخصیت و آسیب خواهد رساند.

از: یاکوف لاف

# هنر به مثابه یک کل اجتماعی - زیبایی شناسانه (قسمت دوم)

ترجمه: الف پایدار

از طرف دیگر اهمیت اثر هنری را این واقعیت نیز تعیین میکند که اثرنا چه حد گسترده و رزرف انسان را موجود اجتماعی در شرایط مشخص تاریخی مینماید (از طریق دو لایه که پیش از این درباره اش سخن گفتیم) در این روند یکتایی فردیت هنرمند و غنای ذهنی و بیوسسته با هم می آمیزد. بنا بر این اثر هنری حاصل تاثیر گذاری متقابل دو وجه بالنده، واقعیت عینی بر یکدیگر است: واقعیت اجتماعی و طبیعت که از طریق لایه های ملموس اجتماعی و اسطوره ای توده ای دریافت می شود، و ماهیت هنرمند - تمام فردیت و یکتایی زیبایی شناسانه آن، محالسادو سرخوردگاملا فراطبی با این دو وجه میشود. در مواردی بنا ارزش گذاری مطلق بر واقعیت عینی و دریافت "وضعیت جهان" (هگل) هنر، انسان، فردیت و دنیای خصوصی او را به "فراموشی" میسپارد و در نتیجه دور نما و چشم انداز اجتماعی که بدون وجود آن هنر غیر قابل فهم است اردست میرود. اما هنر واقعی میتواند در این نارسایی غلبه کند و آزادی و زیبایی انسان را به مثابه یک فرد و یک موجود اجتماعی باز نماید و آن دفاع کند.

حرکت این روند در تاریخ فرهنگ ما ریبجی و بالنده است این حرکت همیشه میان دو قطب تعالی روابط و ترقی اجتماعی و تعالی متحاس و هماهنگ فردی نوسان میکند. بدین علت است که هنر یونان باستان ذهن و آگاهی اساطیری توده ای و حسی های ملموس زندگی اجتماعی (روح شهروندی، قهرمان گرائی، شجاعت، وظیفه را عیبی مینماید و آنها را با وجود هوستی مادی انسان می آمیزد. همگام با این پیش هنرمند و عناصر او به گونه ای عضو در این هنر وحدت و یگانگی مینماید.

هنر قرون وسطی اروپا گونه های نوینی از ترکیب هنری این نیروهای بالنده و روبره شد نشان میدهد. این هنر در اشکال مذهبی و اساطیری موقعیت های زمینی و مادی انسان را با رنیماید. در عین حال که به دنیای درونی انسان و عواطفی که تا آن زمان بیان هنری نیافته بود میبرد ازاد. (اما این امر اندک معنایست که اندیشه و تفکر هنری قرون وسطی در سطحی رو بهم رفته بیشتر تر از هنر باستان قرار داشت).

هنر عصر نوزایی در حقیقت سنتر هنر باستان و هنر قرون وسطی بود. انگلس در این مورد مینویسد: "عصر جدید

با بازگشت به یونان آغاز گردید. نفی در نفی" (۱۶) می- دانیم که نفی در نفی مستلزم ترکیب تز و آننتی تزد رستیز است. هنر عصر نوزایی در یک کل یگانه معنویت و مادیت انسان را کنار هم می نهد و تا حد امکان ذهن اساطیری توده ای و بنازهای ملموس و میرم اجتماعی عصر را در رزون خود با هم می آمیزد.

هنر عصر نوزایی از نظر تاریخی قادر نبود انگیره ها و محرک های اجتماعی رفتار انسان را بازنماید. با این وجود این هنر راه را برای پیدایش هنر واقع گرائی انتقادی هموار نمود. در این هنر دیالکتیک روح انسان تمثیلی از دیالکتیک زندگی اجتماعی است که از طریق عینک نگرش فردی وی همتای هنرمند بازنماید و دریافت میشود.

در جامعه نوزوایی معاصر هنر هم با متحاس است و هم چندگانه. از طرفی این هنر در حرایتها و شیوه های گوناگون مدرنیستی متحلی میشود. مدرنیسم تنها حسی های بیرونی واقعیت را در هنر متحلی تحریف شده منعکس میکند. و از آنجا که همگونی تاثیر گذاری هنر بر انسان و نیز جنبه های عام و جهانی هنری هنر را نابود میکند. با قدامت انداز است. مدرنیسم با روحه عاطفی (نورثالیسم) و آزادی (فرهنگ جمعی) هنر تا کند میکند با روحه تعقلی آن (تحریک گرائی، هنریاب، هنر اوپ). نتیجه آنکه مدرنیسم جدید با رگی ذهنی را تشدید می کند و بر نا هماهنگی معنوی و روحی انسانی که در چارچوب فرهنگ نوزوایی زندگی میکند، می افزاید.

اما از طرف دیگر باید گفت که هنر مند را بستن در محتوای زیبایی شناسانه، خود سبی عمی تر و بر بار تر از محدوده ای است که طبقات حاکم میگویند بر آن تحمل میل نمایند. هنر از دیگر اشکال ایدئولوژی با بنادر تر است و در برابر فشاری که از سوی نوزواری بر آن وارد می آید مقاومت میکند. لذا حتی در این شرایط دشوار، هنر در شکل های مشخص تاریخی ونو تصویرهای می آفریند که از قلمرو تنگ ذهن نوزواری بسیار فراتر می رود.

نکته آخر آنکه هنر واقع گرای سوسیالیستی به سوی کمال هنری راه میسپارد. کمالی که انگلس در سنا راه اش چنین میگوید: "آمیزش کمال عمق و عظمت ایدئولوژیک و محتوای مشخص تاریخی با عنا و شور عمل - عملی که در آثارشکیبیر وجود دارد." (۱۷) در هنر سوسیالیستی ریشه های طبقاتی و اجتماعی رفتار و دنیای معنوی انسان بررسی

- میشود و سنت های انقلابی توده ها به صورتی عضو با هدف - های سوسیالیستی و ایجاد جامعه کمونیستی می آمیزند. نتیجه آنکه: هنر بیجا نگر جهانی بودن، انسجام و کمال واقعی انسان است. هنر یک نظام جهانی از ارزشها می آفریند و در قالب تصویرهایی که از نظر عاطفی قانع کننده اند چشم اندازی روشن از زندگی بدست میدهد. هنر اصول انسان - دوستانه رفتار اجتماعی را تعالی مینماید و به پیچیده ترین مسائل هستی انسانی (از قبیل معنی زندگی، مرگ، شادی، وظیفه شناسی و قهرمان گرائی) پاسخی شایسته میدهد. بدین جهت، سرخوردگاملا و روبرو مینماید با هنر انسان را قادر میسازد که بر غنای دنیای درونی و معنوی خود بسفرا بید آن را بار سازی نماید.
- ۱- وسه لاوسکی، مجموعه آثار، جلد اول، سنت پترزبورگ، ۱۹۱۳، ص ۳۶.
- ۲- همانجا، ص ۴۵.
- ۳- ان. ای. کزاد، ادبیات زاین، مسکو، ۱۹۷۴، ص ۳۱۶.
- ۴- همانجا.
- ۵- همانجا.
- ۶- توماس مور، تکامل در هنرها، گلیولند، ۱۹۶۳، ص ۴۴۲.
- ۷- همانجا.
- ۸- اسنادکنگره بین المللی زیبایی شناسی (آستردا م ۱۹۶۴) یاریس، ۱۹۶۸، ص ۱۷۷-۱۷۵.
- ۹- همانجا، ص ۲۰۷-۱۹۵.
- ۱۰- هفتمین کنگره بین المللی زیبایی شناسی، بولتن اطلاع عا، شماره ۱۹۷۲، ص ۸.
- ۱۱- همانجا، بولتن شماره ۴، ص ۹.
- ۱۲- م. باحتس، اثر فرانسس را بله و فرهنگ توده ای قرون وسطا و نوزایی، مسکو، ۱۹۶۵، ص ۴۹۴.
- ۱۳- همانجا، ص ۴.
- ۱۴- همانجا، ص ۴۸۸ و ۴۹۲.
- ۱۵- وای. ام. بوسنا، فرانسس را بله، مسکو، ۱۹۴۸، ص ۳۴۴.
- ۱۶- کارل مارکس و فریدرک انگلس درباره هنر، جلد اول مسکو، ۱۹۶۷، ص ۳۱۲.
- ۱۷- مارکس و انگلس مجموعه آثار، جلد ۲۹، ص ۶۰۱.



## بقیه: فاشیسم در شبلی



سنگینی تصورات معلوا تر سها، سنگینی واقعیت تهدید کننده، سنگینی داشتن تصویر یابین چنین شکننده و آسیب پذیر از خود و اطرافیان نزدیک برای کودک ره آوردی حرا اضطراب و ترس از بزرگ شدن و ریستن نخواهد داشت. زمانی که کودک رنج را در وجود فردی که باری دهنده و حامی او بوده، ندیدنی پدر و مادرش کشف میکند در وجود خود و احساس نا امنی عمیقی رشد خواهد کرد.

چنانکه ما خانواده ها بی را که غیر مستقیم نیز از سرکوب صدمه می بینند (مشکلات اقتصادی، سوء تغذیه، فحشای

کودکان و بزرگان، ترک تحصیل، ولگردی، برهکاری حیوانان، اغتیا و غیره...) به صفر گروه فوق اضافه کنیم خواهیم دید که تعداد کودکانی که هر چه زود تر احتیاج به کمک برای حیران صدماتی که متحمل شده اند می شوند در رند بسیار زیاد می باشد. برای این خانواده ها و کودکان آنها که دفعتا به حاشیه جامعه ایراننده شده اند که قبلا آنها را در خود پذیرفته بوده است، سازمان ها و تشکیلاتی از انواع گوناگون در زمینه های مختلف مبارزه کرده اند سازمان های جدیدی نیز بوجود می آورند که صدای خود را هر چه رسا تر می سازند تا مسموع واقع شوند ما همگی عمیقاً متقاعد شده ایم که "کودک از همین امروز احتیاج به کمک دارد و نه فردا!"

## بقیه: منشور

### پارلمان جهانی ملتها برای صلح

هیچ چیز نمی تواند ما را در مبارزه مشترک مان برای ادامه حیات بشریت از هم جدا سازد!

بگذار تا افکار عمومی بین المللی برای متوقف داشتن فعالیت های کمانی که بشریت را به سوی پرتگاه جنگ هسته ای می کشاند بیه صورتی هر چه کمال تر برابرز شود!

سازمانهای مذهبی، فرهنگی و انجمن های علمی اراده مستحکم ملت ها را جهت دور کردن خطر جنگ در بیان آورند!

بگذار تا سال ۱۹۸۱ را با دست زدن به یک تعرض قاطع نیروهای صلح در جهت توقف انباشت سلاحها به صورت تخته پرسی برای سالهای هشتاد در آوریم!

## جمهوری

### دموکراتیک آلمان

دکتر هورست ریبنهارگ مسئول روابط غرقه جمهوری دموکراتیک آلمان در نمايشگاه بین المللی بازرگانی تهران اعلام داشت:

"کشور ما آماده هرگونه همکاری برای پیشرفت انقلاب ایران و رهایی از زیر سلطه امپریالیستها است. و این سیاست خارجی کشور ما به حساب می آید."

"ما اولین کشوری بودیم که با محاصره اقتصادی در مورد ایران مخالفت کردیم، زیرا کشور ما به خوبی محاصره اقتصادی را درک می کند، چون زمانی خود ما در محاصره اقتصادی امپریالیسم قرار داشتیم!"

اتحاد مردم صاحب امتیاز: محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین) سردبیر: محمد تقی برومند آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

بگذار تا بانگ ملت ها برای صلح نیرومند تر از هر زمان در تظاهرات توده ای در دادخواست ها، برفراخوانها به پارلمان ها و دولت ها، و همچنین در فعالیت های همبستگی در سطح ملی و بین المللی طنین افکند!

بگذار تا کسانی که در همه کشورهای نعمت های این جهان را پدید می آورند، صدای خود را برای دفاع از صلح و آینه ده بشیرت به گوش ها برسانند!

بگذار تا از تلاشهای دولت ها بی که به راهنمایی خرد و واقع بینانه تیت از تشنج زدایی و صلح سلاح ایجاد می کنند پشتیبانی کنیم!

بگذار تا از تلاشهای جنبش کشورهای غیر متعهد که در مخالفت بنیادی خود با سیاست نظامیگری نقش بیش از پیش فعال در تضمین صلح جهانی بازی می کنند پشتیبانی کنیم!

بگذار تا از ابتکارات سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های بین دولتی برای مهار کردن مسابقه تسلیحاتی، برای تامین صلح و امنیت همه کشورهای جهان و برای استقرار یک نظام جدید اقتصادی بین المللی پشتیبانی کنیم! برای به اجرا درآوردن توصیه های اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره صلح و دعوت تشکیل کنفرانس جهانی صلح در مهلتی هر چه مناسبتر، از هیچ کوششی فروگذار نکنیم!

بگذار تا هفته صلح سازمان ملل متحد (۲۴-۳۰ اکتبر) و فعالیت های مشترک با موازی احزاب سیاسی سازمانهای سندیکا، زنان، جوانان، دانشجویان،

بقیه: سیاست نفتی انحصارات...

ایالات متحده در پی ناکامی سیاست امپریالیستی خود در ایران و نیز بهانه رویدادهای فغانستان دست به تدارک وسیع و شدید نظر می‌درجوز...

افکار عمومی و مطبوعات کشورهای عرب در این اقدامات واشنگتن دست سردمداران کمپانی‌های نفتی بین‌المللی را درکار می‌بینند که می‌کوشند به هر قیمتی برای کنترل مستقیم منابع نفتی و تعیین سبای "طلای سیاه" مواضع...

واشنگتن برای برده‌یوشی ماهیت سیاست سرکردگی طلبانه خود به جنگ روانی مبتنی بر رستی داس می‌زند و حملاتی از قبیل طرح‌های شوروی در زمینه "قفسه‌گردن نفت" و "قطع راه‌های نفت رسانی به اروپای باختری" اختراع می‌کند...

کارتر در سه پیام پستی خود به کنگره (در باره "دولت متحده"، مسائل اقتصادی و بودجه) توجه فراوانی به مسائل ذخیره‌سازی نفت و درجای اول جنبه‌های نظامی راه‌حل آن معطوف نمود...

همزمان مطبوعات آمریکا لحن آشکارا بدبینانه پیام‌های ریاست جمهوری و فقدان هرنوع اعتماد به قدرت دولت در حل مسائل پیچیده ذخیره‌سازی انرژی را عریان ساخته‌اند...

بیش از نیمی از مجموع مصرف انرژی جهان سرمایه‌داری را در دست دارد (هنوز حل نشده، درجای نخست به ساختار مصرف انرژی آمریکا مربوط می‌شود که پس از جنگ بنا به اراده انحصارات نفتی تکوین یافته...

امکان استفاده دلخواهانه از نفت ایران بسیار نزدیک در یک دوره طولانی تا آغاز سالهای ۷۰-۷۱ موجب صرف فزون از حد انرژی در ایالات متحده گردید. حتی امروز

پس از ترقی بی‌دریگی قیمت‌ها توسط کشورهای عضو و یک که از عمده‌ترین تهیه‌کنندگان ماده سوختنی مایع در دنیای سرمایه‌داری هستند...

پنتاگون حریفانترین مصرف‌کننده سوخت مایع است حفظ ناوگان جنگی و نیروی هوایی استراتژیک که در جهان سرمایه‌داری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (و همواره بخش مهمی از آن در فعالیت آنند) به مقدار زیادی نفت نیاز دارد...

علی‌رغم دعوت‌های متعدد مقامات فدرال در صرفه‌جویی منابع انرژی و مواد سوختنی و کاهش واردات نفت به ایالات متحده، سهم مواد سوختنی مایع در کل مصرف سوختی این کشور همچنان افزایش می‌یابد...

در اجتماع سران هفت دولت که در ۱۹۷۹ در توکیو برگزار شد متحدان واشنگتن به زحمت توانستند حتمشان را بسازند و ایالات متحده که به وعده خود در صرفه‌جویی انرژی عمل نکردند...

تصمیم‌گزاران در سال گذشته در کمک به تامین هزینه نفت ساه وارداتی - هرستکه ۵۰ دلار - مورد استقبال متحدان واشنگتن قرار نگرفت...

کمپانی‌های آمریکا داده‌است رور نامه پارسی لومانی می‌نویسد: "اینکار واشنگتن یکبار دیگر خود پرستی ایالات متحده را در قلمرو انرژی آشکارا تا بی‌دی می‌کند"

شرکای واشنگتن نسبت به سرمایه دولت در کاهش واردات نفت که توسط رهبری کمپانی آمریکا اعلام گردید و به طوری اساسی معطوف به استفاده از منابع انرژی متعددی چون زغال سنگ، شهابی نفتی، انرژی خورشیدی و حرارت زمین در آینده دور است...

سخنان کارتر در ژوئیه ۱۹۷۹ منتهی بر آن که هنوز در معادن نفتی آمریکا زیادتر از معادن نفتی عربستان سعودی نفت وجود دارد...

با وجود این کمپانی‌های بزرگ نفتی فعالیت‌های مقامات فدرال را در زمینه انرژی از خیلی نزدیک دنبال می‌کنند، زیرا در جای نخست ترسانان این است که نتوانند در افکار عمومی که خواهان ملی‌کردن آن هستند، تا ثبیر بگذارند...

در حال حاضر، انحصارات نفتی عمل‌مجموع صنعت نفت و گاز ایالات متحده را زیر نظر دارند. همان‌طور که بیزنس ویک ارگان محافظ بازرگانی ایالات متحده از ریایی نمود، کمپانی‌های بزرگ نفتی "در آینده قدرت خود را در صنعت زغال سنگ آمریکا اعمال خواهند کرد"

بیش از پیش به ذخایر مهم معدنی اورانیوم - ماده اولیه انرژی هسته‌ای - و شهابی اغشته به نفت دست اندازی می‌کنند. از این رو، کمپانی‌های بزرگ نفتی که دارای

هایشان مجموعا در دوران ماه ۴۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. در قلمرو انرژی ایالات متحده فرمانروایی بلامنساز دارند

اکسون، موبیل، اویل، تکزا کو، اتلانیک ریفیلد و سایر غولهای نفتی با روی گرداندن از سرمایه‌گذاری لازم در زمینه رشد انرژی ملی سرمایه‌هایشان را در شا زمین، رشد انرژی ملی سرمایه‌هایشان را در شاخه‌های سود-آورتراقتی مدلی به گردش درمی‌آورند...

حتی‌که اگر در شنا جا رشد اعتراف کند که مخالفت کمپانی‌های نفتی که بگانه بگیرند، کسب سودها ب، سدی در برابر حل مساله انرژی در ایالات متحده است، انحصارات درناستان ۱۹۷۹ پس از کسب موافقت دستگاه رهبری در ایالات قیمت‌های مهم واحد داخلی نفت همچنان هیچ‌کاری برای افزایش تولید نفت در کشور انجام ندادند...

مشکلات انرژی ایالات متحده به گفتگو مشغول بودند، انحصارات آمریکا به توسعه طلای خود در دریاها رج دانه، در حال حاضر، آنها در بخش ۸ کشور جهان به استخراج نفت مشغولند...

مخصوصا مکزیک اشتباهی که بی‌ساخت تحریک می‌کند، از این رو، حکومت این کشور عزم خود را در حفظ مواد نفتی که به منظورتا منب سازهای رشد ملی کشف می‌شود، اعلام داشته است...

طرح ایجاد بازار مشترک شمال آمریکا، بدو در زمینه انرژی، شرکت به کشور - ایالات متحده، مکزیک و کانادا - که در واشنگتن طرح‌ریزی شد در حقیقت به منظور کاهش انرژی آمریکا به مدار کمپانی‌های نفتی آمریکا است...

واشنگتن به نفوذ سرمایه آمریکا در صنعت نفت نیجریه، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان "طلای سیاه" در قاره آفریقا امید زیادی بسته است، تنها کیفیت عالی نفت نیجریه، ذخایر عظیم آن و وسعت چشمگیر استخراج و صدور آن نیست که توجه انحصارات ایالات متحده را جلب می‌کند...

در حال حاضر، تصمیم‌دولت نیجریه در زمینه کنترل صنعت نفت و اقتصاد ملی نگرانی ایالات متحده را برانگیخته است. تحکیم مواضع شرکت ملی نفت، توسعه فرایندها

در

# مردم قهرمان ایران

هرگز صداموهبیا لکی های آمریکا، سعودی و اردنی او نمی اندیشیدند که خون سرخ انقلاب در رگ کارگران، دهقانان روشنفکران انقلابی و بزرگزمکنشان این مرز و بوم می - جوشد و در برابر هر سو، قصد و تا وز به حریم انقلاب را رتش خلقی و عظیم آنان به دفاع از دستا وردهای آن به گردش در می آید . مردم هوشمند و انقلابی ایران در خیمه شب بازی تجا وز بعثی های عراق دست کا خ سفید و پینتا گون را در کار می بینند . کا رتلهای نفت خوار که از سوی خوش نفت ارزان خاور - میان سر مست و بی قرارند ، دیربست که از جرات انقلابی خلق بیبا خاسته ، ایران خواب راحت ندارند .

ترس و وحشت از سزای شعله های رستا خیز عظیم ضد امپریالیستی مردم ایران به سرزمین های اسیر نفت خیز خاور نزدیک و منطقه خلیج فارس کاخ سعید را به تکانک پووا داشته است .

عموما در جستجوی دیوانه افسار گسیخته ای که بتواند او را به مقصد تصرف سرزمین های نفت خیز منطقه برساند ، هیچ کس را چون صدام مخلص که در پی کسب نام و قدرت بیرون مرزی سازمان نمی شناسند ، مسا عد و گوش به فرمان نیافت . صدام که آقا بی بر سرزمین خونین و استبداد دزده ، عراق را برای ارضای شهوات عظمت طلبانه ، ناسیونا لیسم ارتجاعی خود کا فی نمی داند ، با دمیدن در بوق " وحدت عربی - به فکر فرمانروایی بر کشورهای ریز و زود رشتر عربی و بلعیدن اراضی خلقهای دیگر افتاده است .

عموما ما دمیدن در آستین صدام و برانگیختن احساسات فزون طلبانه ، وی بزار مفیدی برای سرکوب جنبش انقلابی مردم قهرمان ایران و عراق و پیشبرد مقاصد امپریالیسم و صهیونیسم جهان در منطقه یافته است .

آتش کشودن صدام مخلص به جمهوری اسلامی ایران به اشاره امپریالیسم خونخوار آمریکا با همه عوارض دردناکی که برای مردم قهرمان ایران و عراق در بر دارد و در بر مآثرات آن می آفراید ، لیکن طلبیعه ، پیوند خسته بیش از پیش نزدیک خلقهای خاور نزدیک و منطقه خلیج فارس در فرست و ریب رژیم های وابسته به امپریالیسم است .

مردم ایران با برخورداری از پیشتیبانی عظیم مادی و معنوی جبهه جهانی ضد امپریالیسم متشکل از اردوگاه نیرومند و سوسیا لیسم جهانی ، جنبش عظیم طبقه کارگر در اردوگاه سرمایه داری و جنبش رهایی بخش ملی این دوران سخت را پشت سر خوا هند گذاشت و پیروزه ، خائنینی چون صدام ، سادات ، ملک حسن ، ملک حسین ، خالد ، قابوس و ضیا الحق را به خاک خوا هند مالید .

علی رغم صحنه های جگر خراش بورژوازی لیبرال که به عبث میهن انقلابی ما را در جهان " منزوی " و " تنها " جلوه می - دهد ، جمهوری اسلامی ایران با ران صدام امپریالیست خود را در کنار خود می بیند .

بطنان یا وه گویبهای لیبرالها در برابر پیشتیبانی قاطع کشورهای سوسیا لیستی و کشورهای رادیکال و ضد - امپریالیسم منطقه از جمهوری انقلابی نوبتیا دما بیش از پیش آشکار می گردد .

قطر را بطنه عراق با جمهوری توده ای خلق کره ، لیبی و سوریه یکی از نشانه های سهل الوصول پیوند عمیق انقلاب اسلامی ایران با نهضت جهانی ضد امپریالیسم است . هیچ کوشش بعثی نمی تواند این واقعیت تابناک را در انظار مردم ایران کدر سازد .

\*\*\*

صدام و ارباب او عموما مبی جهت به آزمون خلق ز موده ما برخاسته اند .

شکی نیست که مردم ایران مبارزه ضد امپریالیستی خود را نیمه کاره رها نخواهند ساخت .

آنها عزم را سخا رند که نبرد سرنوشت ساز خود را بسبب رهبری نسان بزرگ و سازش ناپذیری چون امام خمینی تا پیروزی کامل بر امپریالیسم آمریکا ادامه دهند .

بگذرا امپریالیست ها و نوکران رنگارنگ آن یکبار دیگر نتیجه تلخ این آزمون بزرگ را ببینند!

# جمهوری دموکراتیک آلمان

نزدیک اعلام داشت و تا کد نمود که تنظیم عادلانه و با دوام منازعات تنها بر اساس تصمیمات معروف سازمان ملل متحد امکان پذیر است . جمهوری دموکراتیک آلمان از تصمیمات سران کشورها و دولت های عرب در فوریه ۱۹۷۹ بدون قید و شرط جانبداری کرده ، وحدت ضد امپریالیستی خلقهای عرب و همپاری آنها را با کشورهای جامعه سوسیا لیستی ، قبل از همه اتحاد شوروی و وثیقه مطمئن تحقق آرزو - های ملی اعراب می داند .

جمهوری دموکراتیک آلمان به ویتنام در مبارزه قهرمانانه علیه متجاوزین آمریکا و به جمهوری دموکراتیک خلق کره و خلقهای مستعمرات پیشین پرتغال کمک های فراوانی نمود ، و همبستگی واقعی و عملی خود را به جنبش های رهایی بخش ملی در فریاد شیدن سیستم استعمار ، نژاد پرستی و آپارتاید در آفریقا جنوبی نشان داده است .

این سیاست منطقی و استوار که از جانب کشورهای رهایی یافته مورد استقبال قرار گرفته ، به نوبه خود به اعتلای حضور جمهوری دموکراتیک آلمان در عرصه بین المللی کمک کرده است . این جمهوری در سالهای ۵۵ در کشورهای دیگر فقط دارای نمایندگی های بازرگانی بود . از آغاز دهه ۶۰ فاسس کنسولگریها به آن افزوده شد . در فاصله ۱۹۷۲ - ۱۹۶۹ بین رابطه تا سطح سفارت اعلا یافت و تعداد زیادی از کشورهای با این جمهوری رابطه سیاسی برقرار کردند . بدین ترتیب " دکترین هالشتین " که بر حسب آن جمهوری فدرال آلمان بگانه نماینده " همه آلمان " است با شکست کامل روبرو شد .

دیدار ارایش هونگر از هند ، لیبی ، آنگولا و مینا ( در ژانویه - فوریه ۱۹۷۹ ) اتیوپی و یمن دموکراتیک ( در نوامبر همان سال ) نمونه کامیاب و برجسته ای در نتایج همپاری جمهوری دموکراتیک آلمان با کشورهای آفریقا - آسیاست . تفاهم حاصله در جریان این مسافرت ها مرحله نویسی در روابط طرفین بوجود آورد و موجب تنظیم برنامه های همپاری اقتصادی و صنعتی تا سال ۱۹۹۰ و فرا تر از آن گردید . قراردادهای دوستی و همپاری بین جمهوری دموکراتیک آلمان و کشورهای دارای سمت گیری سوسیا لیستی ( آنگولا ، موزامبیک ، اتیوپی ، یمن دموکراتیک ) از اهمیت مهمی برخوردارند . این قراردادها - هابیا نگر منافع مشترک آنان در مبارزه ضد امپریالیستی بوده و به تحکیم اقتصاد و قدرت دفاعی کشورهای رهایی یافته کمک نموده و به شالوده ریزی همپاری وسیع و با دوام خدمت می کند . در این قرارداد مشورت های منظم در زمینه روابط بین المللی و دوجانبه بین کشورهای همکار پیش بینی شده است .

بازرگانی ، کمک اقتصادی ، علمی و فنی محرومانی همپاری جمهوری دموکراتیک آلمان با کشورهای در راه رشد در حال حاضر و آینده نزدیک است . اکنون جمهوری دموکراتیک آلمان با ۴۶ کشور نوپا بر اساس موافقت نامه های دوجانبه

روابط اقتصادی دارد ( با ۴۶ کشور میادلات بازرگانی و پرداخت و با ۲۰ کشور همپاری علمی و فنی و با ۲۳ کشور همپاری اقتصادی ، فنی و صنعتی ) .

جمهوری دموکراتیک آلمان بنابه سیاست معقولانه خود در زمینه صلح و همپاری تجارت خود را با کشورهای در راه رشد بسط و توسعه می دهد . از ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۸ این رابطه ۱۳ بار افزایش یافته ، از ۳۰۰ میلیون به بیش از ۴ میلیارد مارک طلا رسیده است . مهم ترین شرکای جمهوری دموکراتیک آلمان در بازرگانی برزیل ، هند ، سوریه ، الجزایر ، اتیوپی و آنگولا هستند که دوسوم مبادلات اقتصادی وی را در بر می گیرند .

تقریبا ۷۰٪ صادرات جمهوری دموکراتیک آلمان در ارتباط با قدرت اقتصادی این کشور از محصولات متالورژی تغییر شکل یافته ، اساسا ماشین ها تشکیل شده است مانند : کارگاه های بافندگی ، ماشین های صنعت گرافیک ، تجهیزات صنعت غذایی ، دستگاه های الکتریکی ، وسایل حمل و نقل و ماشین های کشاورزی جمهوری دموکراتیک آلمان علاوه بر کالا - های سنتی وارداتی ( پنبه ، نفت ، میوه ، مواد اولیه ، معدنی ) مقدار زیادی محصولات نیم ساخته و کالاهای تمام ساخته ، صنعت ملی کشورهای طرف قرارداد دریافت می - دارد ، مانند : نخ و پارچه ، لوازم ، خازن - های برق ، کابل و غیره .

بیش از ۵۷۰ موزه که از ۱۹۵۵ تا کنون در کشورهای نوپا به کمک جمهوری دموکراتیک آلمان ساخته شده امکانات صادرات خود را بطور عالی توسعه داده اند . از میان مهمترین آنها تقریبا از ۴۰ کارخانه ، نخریسی ، پارچه بافی و لباس دوزی می توان نام برد . جمهوری دموکراتیک آلمان به اجرای برنامه های کشورهای نوپا در زمینه ، اعتلای صنایع معدن و تبدیل مواد ، ماشین سازی و حمل و نقل کمک به سزایی کرده است .

اکنون نمونه هایی چند در ساره موسساتی که به کمک جمهوری دموکراتیک آلمان ساخته شده است : در الجزایر یک مجتمع نیرومند صنعتی به کمک جمهوری دموکراتیک آلمان ساخته شده که وسایل و قطعات لازم را برای پتروشیمی و سیستم آبیاری تولید می کند .

از این رو ، این کشور امکان یافته است که نه تنها کمترین وارد کردن تولید مآثره پردازده ، بلکه مقدار زیادی را نیز صادر کند . جمهوری دموکراتیک آلمان با دادن تجهیزات لازم به این مجتمع در کار افتادن و سازماندهی تولید و پرورش کار در برای آن کمک موثری نموده است . الجزایریها به موهبت استفاده از کارشناسان ژیزاگ ( لیبیزیک ) درآمدت بسیار کم توانسته اند مدیریت تولید را که متجاوزان ۶٪ قدرت طرح ریزی شده موسسه است ، در دست گیرند .

جمهوری دموکراتیک آلمان برای مصر کارخانه های نخریسی با ۶۵۰۰۰ ماسوره ساخته که ۴۰٪ تعداد بخش دولتی را تشکیل می دهد . آلمان دموکراتیک با تحویل دو کارخانه نخریسی ۲۲۰۰۰ ماسوره ای به سوریه در اعتلای پارچه بافی این کشور شرکت فعال نمود . سال آینده همپاری جمهوری دموکراتیک آلمان با برخی کشور

جمهوری دموکراتیک آلمان در پیشتیبانی از انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی ایران در صف مقدم نهضت جهانی ضد امپریالیسم قرار داشته است . تشکیل نمایشگاهی در باره انقلاب اسلامی ایران در برلین نمونه علاقه مندی این کشور به بالندگی هر چه بیشتر خلق قهرمان ایران در مبارزه با امپریالیسم است . در صفحه ۴

**امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی ملتهاست!**

حفظ ذخایر ملی نفت برای انحصارات آمریکا و دستگاه رهبری واشنگتن ضربه تکان دهنده ای بوده است . زیرا این امر موجب کاهش صدور " طلای سیاه " به ایالات متحده آمریکا می گردد .

براین اساس ملاحظه می شود که ایالات متحده در افزایش محسوس تولید نفت در داخل کشور و فزونی تعداد تهیه کنندگان خارجی مواد سوختی مایع توفیق نیافته است . به همین علت تنها یک راه غدارانه برای واشنگتن وجود دارد و آن تهدید نظامی کشورهای عضو و یک است .

( ادامه دارد )

# بقیه: سیاست نفتی انحصارات آمریکا

عملیات پالایش نفت ( تاکنون نیجریه بخش مهم تیارهاش را به محصولات نفتی از راه واردات تامین می نمود ) و ملی کردن سهام و دارایی های کمپانی انگلیسی بریتیش پترولیوم تا مین کننده نیازهای نفتی رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی ، به این امر گواهی می دهند . تصمیم جدید دولت نیجریه در کاهش ۱۵٪ از حجم استخراج نفت در سال جاری به منظور